

رد ادعای شرکت بیمه هایلندز امریکا علیه بیمه ملی در دیوان داوری لاهه

مطلبی که در پی می آید خلاصه ای است از طرح دعوی و ادعای حدود ۶/۵ میلیون دلار خسارت از طرف «شرکت بیمه هایلندز» آمریکا علیه «شرکت بیمه ملی» ایران در دادگاه لاهه. با توجه به اینکه شرکت بیمه ملی بعد از انقلاب ملی شده است، دفاع از پرونده مذکور از طرف مجمع عمومی شرکتهای بیمه ملی شده به بیمه مرکزی ایران واگذار شده بود که همکارانمان آقایان منوچهر اربابی و سید محمد آسوده با مساعی و دفاع مؤثر خود موفقیت طرف ایرانی را میسر ساختند به نحوی که سرانجام داوران دیوان داوری لاهه به اتفاق آراء ادعای شرکت بیمه هایلندز علیه شرکت بیمه ملی را مردود شناختند. ضمن قدردانی از خدمات بی شائبه این همکاران به ذکر چگونگی و پی آمد دعوی اقامه شده می پردازیم.

در مرحله رسیدگی به دعوی در دیوان داوری لاهه به لحاظ اینکه شرکت بیمه ملی در جریان انقلاب اسلامی ملی شده بود این وظیفه از طرف مجمع عمومی شرکت بیمه مذکور (مجمع عمومی شرکتهای بیمه ملی شده) به بیمه مرکزی ایران واگذار گردید که این سازمان نیز وظیفه دفاع از پرونده را به کمک مشاور حقوقی خویش به عهده گرفت.

در جریان دعوی مسئله مصالحه مطرح و اقداماتی جهت ایجاد سازش بین خواهان و خواننده صورت پذیرفت و آخرین مبلغ پیشنهادی شرکت آمریکائی برای مصالحه مبلغ — ۱,۳۵۰,۰۰۰ دلار بود که مورد موافقت طرف ایرانی قرار نگرفت و لذا مسیر عادی رسیدگی به پرونده در دیوان داوری ادامه یافت. طی مراحل مختلف داوری، لوائح متعددی بین طرفین مبادله گردید و سرانجام جلسه استماعیه پرونده در مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۸۹ (۲۷ مهرماه ۱۳۶۸) در محل دیوان داوری ایران-ایالات متحده در لاهه هلند برگزار گردید.

شرح ادعا

در دسامبر ۱۹۷۶ به پیشنهاد «کایزر استیل لیمیتد»

دیوان داوری ایران — ایالات متحده مستقر در لاهه با صدور حکمی در تاریخ ۲۰ مهرماه سالجاری به اتفاق آراء دعوی هایلندز یکی از شرکتهای بزرگ بیمه چند ملیتی مقیم ایالت تگزاس ایالات متحده را علیه شرکت بیمه ملی مردود شناخت این ادعا از طرف هایلندز در ژانویه ۱۹۸۲ در دیوان داوری مطرح و طی آن با ادعای نقض تعهدات اساسی یک قرارداد اتکائی از سوی شرکت ایرانی در جریان انقلاب شکوهمند اسلامی مطالبه خسارت شده بود. ارقام مورد مطالبه جمعاً به حدود ۶/۵ میلیون دلار بالغ می گشت که از این رقم — ۳,۷۲۰,۰۰۰ دلار — بابت خسارت و مابقی آن به عنوان بهره و هزینه های حقوقی متحمل احتساب شده بود. هایلندز ابتدا دعوی خود را در دادگاه ایالت تگزاس آمریکا مطرح نمود که به لحاظ عدم صلاحیت دادگاه مزبور مورد رسیدگی قرار نگرفت ولی پس از امضاء بیانیه الجزایر هایلندز ادعای خود را در دیوان داوری لاهه مطرح نمود. وکالت دعوی طرف آمریکائی را مؤسسه «بیکر و مکینزی» یکی از بزرگترین مؤسسات حقوقی نیویورک به عهده گرفته بود و دفاع از شرکت ایرانی در مرحله طرح دعوی در دادگاه تگزاس به مؤسسه حقوقی «بمنت و پسران» در انگلستان واگذار شده بود ولی

استادی به مبلغ -/۲۹۶،۸۵۸ دلار به نفع بیمه هایلندز افتتاح نماید. این درخواست بیمه هایلندز بعلت عدم وصول برخی از صورتحسابها و قسمتی از مطالبات بیمه ملی (که توسط هایلندز پرداخت و نزد کارگزار کایزر استیل مانده بود) و همچنین بعلت اختلافاتی که در سیستمهای ارتباطی از قبیل پست و تلفن و تلکس در اثر شرایط زمانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد شده بود اجابت نگردید و اعتبار استادی در سررسید تعیین شده (۱۹۷۸/۱۲/۲۹) افتتاح نشد. پس از گذشت هفده روز از سررسید تعیین شده برای افتتاح اعتبار استادی مذکور شرکت بیمه هایلندز با ملاحظه اوضاع و احوال حاکم بر ایران و اتخاذ این موضع که بیمه ملی با عدم افتتاح اعتبار استادی تعهدات اساسی خود را عمل ننموده و قرارداد را نقض کرده است، طی تلکسی که برای کایزر استیل کارگزار قرارداد ارسال کرد. دو پیشنهاد را به منظور حل و فصل موضوع ارائه نمود. پیشنهاد اول مقرر می‌داشت قرارداد سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ از تاریخ شروع فسخ شود مشروط بر اینکه بیمه ملی کلیه وجوهی را که در اجرای قرارداد دریافت نموده است بفوریت مسترد نماید. پیشنهاد دوم دائر بر این بود که هایلندز در صورتی حاضر به ادامه قرارداد است که بیمه ملی اعتبار استادی خواسته شده به شرح فوق را به فوریت افتتاح و صورتحسابهای سه ماهه سوم سال ۱۹۷۸ را که به نفع هایلندز بود، پردازد، همچنین بیمه ملی بپذیرد تا تثبیت اوضاع سیاسی ایران البته به تشخیص هایلندز هیچگونه وجهی بابت عملکرد هیچیک از سالها دریافت ننماید.

بیمه ملی پس از اطلاع از پیشنهادهای فوق قبولی خود را نسبت به پیشنهاد اول اعلام و تعهد نمود کلیه وجوه دریافتی را مسترد نماید. قبول پیشنهاد اول توسط بیمه ملی ظرف پنج روز توسط کارگزار یاد شده به هایلندز اعلام شد. بیمه هایلندز بلافاصله پس از وصول اعلام قبولی با عنوان این ادعا که پیشنهاد اول مشروط به باز پرداخت فوری کلیه وجوه دریافتی توسط بیمه ملی بوده که عملی نشده است اعلام نمود که: پیشنهاد اول خود را پس گرفته است و قرارداد کماکان معتبر و بقوت خود باقی است بیمه ملی با اطلاع از موضع اخیر هایلندز بر قبول پیشنهاد اول اصرار می‌ورزد و نسبت به باز پرداخت وجوه دریافتی اقدام

کارگزار بیمه‌های اتکائی مقیم لندن شرکت ایرانی بیمه ملی و شرکت آمریکائی هایلندز یک قرارداد اتکائی منعقد نمودند که به موجب آن ۲۸/۵۷ درصد از کلیه بیمه‌نامه‌های مستقیم صادره در انگلیس برای شرکت بیمه هایلندز (توسط نمایندگان صادرکننده بیمه هایلندز) به صورت بیمه اتکائی به بیمه ملی واگذار می‌گردید مشروط بر آنکه مبلغ واگذاری بابت هر حادثه و خطر از -/۱۰۰،۰۰۰ دلار تجاوز نماید.

به موجب ماده ۷ این قرارداد، بیمه هایلندز متعهد شده بود صورتحساب خالص حق بیمه‌های دریافتی و خالص خسارات پرداختی را مطابق دفاتر نمایندگان صادرکننده به صورت سه ماهه به شرکت بیمه ملی ارائه کند و بدهکار این صورتحسابها می‌بایست ظرف ۳۰ روز از تاریخ دریافت صورتحسابها بدهی مربوط را تأدیه می‌نمود.

به موجب ماده ۱۰ قرارداد، بیمه ملی متعهد شده بود مبلغی معادل مجموع ذخیره حق بیمه‌های عاید نشده و ذخیره خسارات معوق را به صورت وجه نقد و یا اعتبار استادی غیر قابل برگشت عهده یک بانک آمریکائی به بیمه هایلندز بعنوان تضمین، تودیع نماید و چنانچه این اقدام از طریق گشایش اعتبار استادی صورت می‌گرفت مبلغ اعتبار استادی مزبور می‌بایست ظرف ۳۰ روز پس از دریافت هر صورتحساب مطابق با مبالغ منعکس در آن تعدیل می‌شد.

به موجب ماده ۱۱، این قرارداد از اول ژانویه ۱۹۷۷ آغاز و برای مدت دو سال ادامه می‌یافت و به خودی خود برای سالهای بعد تمدید می‌شد مگر آنکه هریک از طرفین با ارسال یک اخطار کتبی و قبلی ۶ ماهه تقاضای فسخ آن را در ۳۱ دسامبر هر سال می‌نمود.

این قرارداد تا اواخر سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) روند تقریباً عادی خود را طی می‌نمود و در اجرای آن بیمه ملی صورتحساب‌های واصله تا سه ماهه دوم سال ۱۹۷۸ و وجوه مربوط به صورتحسابهای سه ماهه قبل آنرا وصول نموده بود تا اینکه در اوایل دسامبر ۱۹۷۸ (آذرماه ۱۳۵۷) شرکت هایلندز طی تلکسی از بیمه ملی درخواست نمود که در اجرای ماده ۱۰ قرارداد و بر اساس آمار و ارقام صورتحسابهای سه ماهه سوم سال ۱۹۷۸ یک اعتبار

می نماید.

وجوه استرداد که قسمتی از آن از طریق ارسال چک و قسمت دیگر از طریق وجوهی که نزد کارگزار مانده بود تأمین می‌گردید ظرف یکماه در اختیار کارگزار قرارداد قرار می‌گیرد. لیکن بیمه هایلندز با این ادعا که قرارداد ادامه دارد از دریافت این مبالغ امتناع و به کارگزار دستور می‌دهد که این وجوه به یک حساب امانی واریز شود. براین اساس از آن تاریخ هر یک از طرفین مواضع زیر را اتخاذ می‌نمایند.

بیمه هایلندز: قرارداد برای سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ معتبر بوده و برای سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ نیز از آن جهت که اخطار فسخی بموقع از سوی بیمه ملی ارسال نشده تمديد گردیده است.

بیمه ملی: با قبول پیشنهاد اول مورخ ۱۳۵۶/۱/۱۷ هایلندز و استرداد وجوه مورد مطالبه قرارداد از تاریخ شروع فسخ گردیده است.

پس از رد صلاحیتی ادعای هایلندز در دادگاه ایالت تگزاس امریکا، این ادعا در سال ۱۹۸۲ در دیوان داوری لاهه مطرح و موجب تبادل لوایح متعددی از سوی طرفین گردید. لوایح مطروحه از جانب هایلندز حاوی چندین ادعا از جمله موارد ذیل بود:

۱- ادعای اصلی مبتنی براین بود که بیمه ملی با عدم گشایش اعتبار اسنادی موضوع ماده ۱۰ قرارداد، ظرف مدت معین، این قرارداد را نقض نموده و این نقض به هایلندز حق می‌دهد خسارات وارده را مطالبه کند.

بیمه ملی در مقابل چنین دفاع می‌نمود که:

اولاً- عدم افتتاح اعتبار اسنادی نقض قرارداد از جانب وی محسوب نمی‌گردد زیرا هایلندز خود با امتناع از پرداخت مطالبات سه ماهه سوم سال ۱۹۷۸ بیمه ملی و نیز عدم ارائه به موقع صورتحسابها، از انجام تعهدات قراردادی خودداری نموده و همین امر مانع انجام تعهدات توسط بیمه ملی گردیده است.

ثانیاً- قرارداد اتکائی فی مابین در نتیجه پذیرش شق یک پیشنهاد مورخ ۱۳۵۶ ژانویه ۱۹۷۹ هایلندز توسط بیمه ملی من البدو فسخ شده و خاتمه یافته است.

۲- هایلندز جهت رد ادعای بیمه ملی مبتنی بر فسخ قرارداد من البدو و اثبات ادامه قرارداد اتکائی فی مابین

ادعا می نمود که:

اولاً- پیشنهاد مطروحه در شق اول پیشنهادات مورخ ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ قبل از قبول مؤثر توسط بیمه ملی پس گرفته شده است.

ثانیاً- این پیشنهاد فقط با باز پرداخت فوری کلیه وجوه قابل برگشت توسط بیمه ملی می‌توانست قبول شود. نه با وعده باز پرداخت از طرف بیمه ملی.

ثالثاً- حتی اگر پیشنهاد به نحو مقتضی مورد قبول بیمه ملی قرار گرفته باشد و پیشنهاد در زمره پیشنهاداتی بود که با وعده پرداخت می‌توانست مورد قبول واقع شود باز بیمه ملی به شرط اساسی قرارداد فسخ یعنی باز پرداخت فوری کلیه وجوه عمل ننموده و این وجوه نه تنها به موقع مسترد نگردیده بلکه نقصان و کسری هم داشته است.

بیمه ملی در مقابل دفاع می نمود که:

اولاً- پیشنهاد مطروحه در شق اول از پیشنهادات هایلندز را قبل از پس گرفته شدن به نحو مؤثر قبول نموده چنین پیشنهاد قبول شده‌ای قابل پس گرفتن نیست.

ثانیاً- شق اول پیشنهاد هایلندز با وعده پرداخت وجوه توسط بیمه ملی قابل قبول بوده و از نوعی نبوده است که فقط با اجراء قابل قبول باشد. طبق آخرین رویه‌های حقوقی کشور انگلستان این نوع پیشنهاد با قبولی نیز مبدل به یک قرارداد لازم الاجراء می‌گردیده است.

ثالثاً- در هر حال بیمه ملی وجوه را به فوریت و به طور کامل به هایلندز مسترد نموده است و نحوه باز پرداخت وجوه توسط بیمه ملی به گونه‌ای بوده است که شرط فوریت مورد نظر هایلندز را برآورده نموده است.

۳- هایلندز در تلاش برای اثبات ادعای اصلی خود (نقض قرارداد توسط بیمه ملی) و ثبوت انجام تعهدات قراردادی خویش و نیز اثبات ادعای پس‌گیری پیشنهاد فسخ مطروحه در ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ (عدم تحقق فسخ دو طرفه قرارداد) ادعا می نمود که کایزر استیل (شرکتی که قرارداد اتکائی به پیشنهاد وی منعقد و در طول اجرای آن نیز کلیه صورتحسابها و وجوه از طریق وی برای بیمه ملی ارسال گردیده است) نماینده بیمه ملی بوده و جهت اثبات این ادعای خود در آخرین لایحه ابرازی مستندات به ظاهر متیقنی نیز ارائه می نمود.

اولاً - قرارداد برای دوره دوساله ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ تمدید نشده و ثانیاً اگر تمدید نیز شده بود بیمه ملی با قبول نمودن شق یک پیشنهاد هایلندز که قرارداد را با اثر قهرقرائی از آغاز فسخ نموده از تعهدات قراردادی خود برای کلیه سالها بری گردیده است.

رأی دیوان

دیوان در حکم صادره پس از تجزیه و تحلیلی که از ایرادات و دفاعیات طرفین در اجلاس ۹ ساعته دادگاه بعمل آورد چنین نتیجه گیری نمود که: قرارداد اتکائی فی مابین با اثر قهرقرائی من البدو فسخ و در نتیجه بیمه ملی از تمامی تعهدات قراردادی خویش بری گردیده است و بدین ترتیب دعوی شرکت بیمه هایلندز که مبتنی بر نقض قرارداد از جانب بیمه ملی است مردود شناخته می شود.

بیمه ملی در مقابل به نحوی موثر چنین دفاع نمود که: کایزر استیل نه تنها نماینده بیمه ملی نبوده بلکه به عکس نماینده هایلندز بوده و از جانب وی عمل می نموده است و لذا باز پرداخت وجوه (که بر اساس پیشنهاد اول هایلندز میبایست به هایلندز پرداخت میشده) به نماینده وی به منزله پرداخت به هایلندز بوده.

۴ - هایلندز همچنان ادعا می نمود قرارداد برای سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ نیز تمدید گردیده و لذا هرگاه، قرارداد، طبق پیشنهاد اول، برای سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به طور دوجانبه فسخ گردیده باشد این فسخ شامل سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ نبوده و چون عملیات بیمه ای هایلندز در این سالها مواجه با خسارت بوده بیمه ملی میبایستی سهم خودش را به میزان مورد قرارداد به هایلندز پرداخت نماید. طرف ایرانی در مقابل دفاع می نمود که:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی